3008
Acc
JAMIA HAMDARD
قسم المخطوطات

بسم الله الرحمن الرحیم

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک
انت الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله
لا یخلف المیعاد سپاس آفریدگاری را که آغاز همه از وست و انجام همه بدو است
بلکه خود همه اوست و درود بر گزیدگانی را که رهنمایان خلق اند بآغاز و انجام
خصوصاً بر محمد و آلش علیهم السلام و بعد دوستی عزیزی از مجرای این تذکره
التماس کرد که نبذی از آنچه سالکان راه آخرت مشاهده کنند از انجام کار
آفرینش شبیه بآنچه در کتاب خود مسطور است و بزبان انبیا و اولیای
او علیهم السلام مذکور از احوال قیامت و بهشت و دوزخ و غیر آن ثبت کنند بر طلب

3008
[redacted]
Acc

JAMIA HAMIDIA
ACC. No. 3008
Date 28.12.05
CENTRAL LIBRARY NEW DELHI

JAMIA HAMIDIA
قسم المخطوطات

میگردد **فصل اول** در صفت راه آخرت و ذکر سالکانش و اسباب
اعراض مردم از آن و آفات اعراض **فصل دوم** در اشاره بمبدأ و معاد
و آمدن از فطرت اولی و رسیدن بآنجا و ذکر شب قدر و روز قیامت
فصل سیوم در اشاره بهر دو جهان و ذکر مراتب مردم درین جهان و آن
جهان **فصل چهارم** در اشارت بمکان و زمان آخرت **فصل پنجم** در
اشارت بحشر خلایق **فصل ششم** در اشارت بذکر احوال اصناف خلق در
آنجهان و ذکر بهشت و دوزخ **فصل هفتم** در اشارت بصراط **فصل هشتم**
در اشارت بصحایف اعمال و کرام الکاتبین و نزول ملائکه و شیاطین بر
نیکان و بدان **فصل نهم** در اشارت بحساب و طبقات اهل حساب
فصل دهم در اشارت بوزن اعمال و ذکر میزان **فصل یازدهم** در اشارت
بطی آسمان ها **فصل دوازدهم** در اشارت بنفخ صور و تبدیل زمین و آسمان
فصل سیزدهم در اشارت بحالهائیکه در قیامت حادث شود و توقف
خلق بعرصات **فصل چهاردهم** در اشارت بدرهای بهشت و دوزخ **فصل
پانزدهم** در اشارت بنیرانیه دوزخ **فصل شانزدهم** در اشارت بنعیم بهشتی
بهشت و آنچه در دوزخ بازای آن باشد **فصل هفدهم** در اشارت بخازنان

رسالهٔ

هرچه

هرچه که اهل بینش بعیان می بینند نه بران وجه که اهل دانش بیان میکنند
هرچند اجابت این التماس متعذر بود بحکم آنکه نه هرچه هست نصیب
هر کس است و نه نصیب هر کس است بتواند دید و نه هرچه بیند بتواند دانست
و نه هرچه داند بتواند گفت و نه هرچه بگوید بتواند نوشت چه اگر دیدن بعیان
بود دانستن بانر تواند بود و اگر دانستن بتصور بود گفتن باخبار تواند بود
و اگر گفتن بتصریح بود نوشتن بتعریض و تلویح تواند بود و لیس الخبر کالمعاینة
فکیف اذا کان الخبر بالایماء والاشارة و اما چون خاطرش بران ملتفت
بود چاره ندید از اسعاف آنچه ممکن باشد پس اگر این تذکره از آنچه مراد آن
عزیز است قاصر باشد باید که چون معذور واضح است مواخذه نکند ان الله تعالی
و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب ان هذه تذکرة فمن شاء
اتخذ الی ربه سبیلا و ما تشاؤن الا ان یشاء الله ان الله کان علیما
حکیما یدخل من یشاء فی رحمته والظالمین اعد لهم عذابا الیما اللهم ارنا الحق
حقا وارزقنا اتباعه وارنا الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه وادخلنا فی
رحمتک بحق المصطفین من عبادک انک علی کل شیء قدیر وضع اساس
این تذکره بر بیست فصل اتفاق افتاد چنانکه در هر فصلی معین و مفصل

اول یاد کردی کلاً انها تذکرة فمن شاء ذکره و اگر بدیدی دیده

اول باز شناختی من نظر اعتبر و من اعتبر عرف و اول الدین

معرفته و اما بسبب اعراض سه چیز است چنانکه گفته اند رد شاء

الشیاطین ثلثة یکی شوایب طبیعت مانند غضب و شهوت

و توابع آن از حب مال و جاه و غیر آن تلک الدار الآخرة نجعلها للذین

لا یریدون علواً فی الارض و لا فساداً و العاقبة للمتقین دوم

وساوس عادات مانند تسویلات نفس امّاره و تزیینات

اعمال غیر صالحه بسبب ضلالات فاسده و اوهام کاذبه و لوازم آن

از اخلاق ذمیمه و ملکات زمیمه قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالاً

الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون

صنعاً سیوم از اسباب اضلال مانند متابعت غولان آدمی پیکر

و تقلید جاهلان عالم آسا و اجابت استغواء و استنهاء شیاطین انس

و جن و مغرور شدن بخدع و تلبیسات ایشان ربنا ارنا الذین

اضلانا من الجن و الانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین

و ثمره اعراض اینجهانی کوری آنجهانی و شقاوت جاودانی باشد

الی آخر